نامه منتشر نشده امام در خصوص خطر نفوذ فرقه ضاله بهائیت


بسم الله الرحمن الرحیم

نامه منتشر نشده امام در خصوص خطر نفوذ فرقه ضاله بهائیت

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نامه منتشر نشده امام در خصوص خطر نفوذ فرقه ضاله بهائیت

مشخصات کتاب

برگرفته از:

سایت بهائی پژوهی

مقدمه

اخیرا سایت خبری تابناک اقدام به انتشار دو نامه حضرت امام خمینی (ره) که تاکنون منتشر نشده است نموده است که ما به درج یکی از این نامه ها که نشانه نگرانی آن حضرت در مورد فرقه بهائیت می باشد می پردازیم. خطاب نامه ها به آیت‌الله حاج سیدعبدالعلی آیت‌اللهی، نواده مجتهد بزرگ و برجسته لارستان فارس، مرحوم سیدعبدالحسین لاری است که بیش از پنجاه سال است رهبری دینی و سیاسی خطه لار را بر عهده دارد و محبوب خاص و عام و شیعه و سنی این منطقه است. تاریخ این نامه، ۲۱ ربیع الثانی سال ۱۳۸۴ ق است. اما نامه مهم که امام خطاب به ایشان نوشته‌اند، درباره مبارزه با فرقه بهائیت است که در همه ایران به ویژه منطقه فارس فعال بود. متن نامه امام که برای نخستین بار انتشار می‌یابد، بدین شرح است: «به عرض عالی می‌رساند: مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود مبارک و مشتمل بر اظهار عواطف و تفقد از حالات اینجا بود، موجب تشکر گردید. مطالبی را که مرقوم فرموده بودید صحیح بود. از توجه جناب‌عالی به مجاری امور متشکر شدم، لکن اینجانب با توجه به این معانی هرچه برای حل مشکلات قضیه تأمل می‌کنم، به حل آنها موفق نشده‌ام. شرحی به جناب آقای آقا مجتبی [موسوی لاری] (دامت توفیقاته) تذکر دادم که خدمت جناب مستطاب عالی عرض کنند. اگر به نظر شریف راه‌حلی پیدا شد، مرقوم فرمایید. یک گرفتاری بسیار بزرگی که خطر عظیم بنیان‌کن در پیش دارد، العیاذ بالله تعالی، قضیه نفوذ فرقه ضاله بهائیت است که در غالب تشکیلات، علی المحکی و المعروف، نفوذ دارند و روز به روز دامنه‌دارتر می‌شود و من نمی‌دانم عاقبت کار اینها به کجا ختم می‌شود و من احتمال می‌دهم آنها به همین زودی شروع به کار کنند، به طور علنی و با غفلت مسلمین ایجاد فتنه و خطر عظیم نمایند. پیام‌های شدیدی اینجانب به اولیای امور در این امر دادم و از طرف آنها انکار بلیغ شده است، لکن اطمینان نمی‌شود پیدا کرد. حقیر در فکر هستم که بلکه به طوری بتوانیم از توسعه نفوذ آنها بکاهیم تا خدای متعال چه تقدیر فرموده باشد. جناب‌عالی اگر نظری دارید، مرقوم فرمایید متشکر می‌شوم.» این نامه فاقد تاریخ است و منبع هر دو نامه زندگی و مبارزات آیت‌الله حاج سید عبدالعلی آیت‌اللهی (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶) می باشد.

هشدارهای امام خمینی

تشکیلات بهائیت به منظور زمینه سازی فرهنگی برای گسترش افکار ضد اسلامی و حذف تدریجی احکام و عقاید اسلامی در جامعه به طور موذیانه ای مبادرت به نفوذ در ارکان فرهنگی جامعه و تسلط بر رسانه های گروهی نموده بود. بدین منظور در آستانه گسترش شبکه تلویزیونی ایران در اواخر دهه ۳۰ شمسی و اوائل دهه ۴۰ که همزمان با گسترش نفوذ امریکائیان و اسرائیلیها در جامعه ایران بود با کمک یکی از سران سرسپرده به صهیونیزم و بهائیت بنام «حبیب ثابت پاسال» که یک یهودی به ظاهر بهائی شده بود؛ یکی از شبکه های مهم تلویزیون ملی ایران به نام شبکه ۳ را در اختیار گرفته بود. امام خمینی (ره) با درایت و تیزهوشی متوجه این توطئه شده و به کرات در خلال بیانات و حتی نامه نگاریهای حود به این مطالب اشاره نموده و به جامعه ایران و علمای بزرگوار

هشدار می دادند. نمونه هائی از این هشدارها در ذیل آورده شده است: ۱- سخنرانی مورخ ۲۰ آذر ۱۳۴۱ خطاب به رئیس شهربانی و رئیس ساواک قم ......: «دستگاه تبلیغاتی تلویزیون متعلق به یک دسته اقلیت منفور (بهائیت) است که گویا قرار است در تمام کشور توسعه پیدا نماید. صاحب آن (حبیب ثابت پاسال)؛ علاوه بر اینکه اقتصاد مملکت ما را در دست گرفته؛ کارخانه پپسی کولا یک کانون جاسوسی است. در تلویزیون قصد دارند نمایش زنان سابق و امروزی را در ۱۷ دیماه (سالروز کشف حجاب رضاخانی در سال ۱۳۴۱شمسی) بدهند ......خوب است آقایان به ادارات مرکزی خود گزارش دهند که مراسم ۱۷ دی را بیش از آنچه که هست جلوه ندهند و مردمی که اعصابشان تحریک شده؛ به وسیله دستگاه تلویزیون بهائی ها تهییج ننماید. دستگاه بهائیت و کارخانه پپسی کولا؛ دستگاه جاسوسی یهود فلسطین (اسرائیل) است» ......۲- سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب تهران مورخ ۸ تیر ۱۳۴۳ در شهر قم. ......: «من در آخرین جلسه ملاقات دکتر صدر وزیر کشور گفتم: ما کاری به شما نداریم؛ مشروط برآنکه شما هم کاری به دین ما نداشته باشید. ولی نه؛ اینها کار دارند. منتها کم کم؛ امروز بهائیت را در ادارات راه می دهند؛ و با یهودیها ارتباط برقرار می کنند و فردا می گویند اصلا دین باید از قانون الغا شود» ....۳- سخنرانی مورخ ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ بمناسبت آغاز درس حوزه ......: «خدا می داند خیر شما را ما می خواهیم. خوب به ما هم یک دستگاه فرستنده بدهید؛ اجازه بدهید مسلمین؛ خودشان یک دستگاه فرستنده درست کنند. من ضامن می شوم که بر خلاف صلاح شما خیلی نباشد. بله؛ برخلاف ارباب بزرگها هست و نمی گذارند. نخواهند گذاشت. اینجا باید بدتر از یهودی (ثابت پاسال) تلویزیون داشته باشد و هر طور دلش می خواهد تبلیغات کند لکن تبلیغات ما آزاد نیست. (میگویند) نمی شود؛ این مرتجعین نباید حرف بزنند. آقا؛ کجایش ارتجاع است.» ....؟۴- بیانات خطاب به علمای یزد مورخ اردیبهشت ۱۳۴۲ ......: «آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پست های حساس به دست این فرقه (بهائیت) است که حقیقتا عمال اسرائیل هستند» ......انتشار اخبار حضور بهائیان ایران در کنگره جهانی لندن با همکاری رژیم پهلوی در مطبوعات سال ۱۳۴۲ مجله اخبار امری (ارگان رسمی محفل ملی بهائیان ایران) مورخ اردیبهشت و خرداد ۱۳۴۲ ویژه نامه ای بمناسبت گردهمائی بهائیان در لندن منتشر نمود و در قسمتی از آن به انعکاس اجلاس لندن در مطبوعات آنروز ایران پرداخت. مطالعه این بریده روزنامه ها نشان می دهد که چگونه امام خمینی (ره) با درایت سیاسی و هوشمندی نسبت به اوضاع جاری مملکت متوجه توطئه مشترک بهائیت و رژیم پهلوی و اسرائیل برای تشکیل اولین هیات رهبری بهائیان شدند. اخبار امری در بخش پایانی این مجله از قول مطبوعات ایران چنین می نویسند: ۱- روزنامه هفتگی «دنیا» در شماره ۷۴۱ مورخ ۷ اردیبهشت ماه ۴۲ چنین می نویسد: «تا دیروز دو هزار نفر از زن و مرد ایرانی با هواپیماهای کامت شرکت هواپیمائی لبنان موسوم به میدل ایست رهسپار لندن شدند. دو هزار زن و مرد ایرانی وابسته بیکی از فرقه های مذهبی که از پانزده روز قبل راه لندن را در پیش گرفتند. هر روز سه تا چهار هواپیما از فرودگاه مهرآباد تهران بر می خاست و از طریق بیروت راهی لندن می گردید. هر هواپیما گنجایش یکصد تا یکصد و بیست مسافر داشت و شرکت میدل ایست مبلغ قابل توجهی تخفیف منظور داشت و بهای بلیط دوسره (تهران – لندن – تهران) را که مبلغ چهل هزار ریال می باشد فقط دو هزار و نهصد و هشتاد تومان دریافت نمود. فرقه مذهبی مزبور روز هشتم اردیبهشت ماه در سالن رویال آلبرت هال اجتماع ۱۵ هزار نفری خود را برپا می کند و این اجتماع بمنظور پایان برنامه ده ساله و تعیین راه و رویه آینده می باشد. بقیه شرکت کنندگان از اتباع کشورهای مختلف بوده و البته تعداد ایرانیها بیش از سایر ممالک می باشد. ایرانی های مزبور از هشت ماه قبل تقاضای گذرنامه از اداره گذرنامه شهربانی کل نموده بودند و در طی این مدت گذرنامه همه درخواست کنندگان صادر و تسلیم شد. مدت کنگره شش روزه بوده و دو هزار شرکت کننده ایرانی تا پایان اردیبهشت ماه به ایران مراجعت خواهند کرد ولی بلیط هواپیما برای مدت یکسال اعتبار خواهد داشت. تا دیروز در سالن فرودگاه مهرآباد موج می زد و هرکس وارد فرودگاه می شد متوجه اجتماع عظیم زن و مرد با قیافه های گوناگون میگردید که هر یک دارای چند مشایعت کننده می باشند. در فرودگاه لندن برای مسافرین ایرانی راهنمایان که به زبان انگلیسی آشنائی کامل دارند در

نظر گرفته شده تا بین هتل های مختلف لندن تقسیم شوند. البته بانک مرکزی به هر مسافر ایرانی پانصد دلار بنرخ ارز دولتی فروخت. هر ایرانی در این سفر چند روزه به لندن با بهای بلیط در حدود هشتاد هزار ریال خرج خواهد داشت. «««...... با مسافرت دو هزار ایرانی به انگلستان رکورد مسافرت اتباع ایرانی به آن کشور که مجموعا در سال به هشتصد نفر نمی رسید شکسته شد. قرار است در این کنگره ۹ نفر از کسانیکه از این به بعد باید فرقه مزبور را در تمام جهان اداره کند به پانزده هزار نفر شرکت کننده معرفی شوند. از ۹ نفر مزبور سه نفر ایرانی و بقیه امریکائی و افریقائی می باشند. ایرانیهای مزبور که هفته گذشته انتخاب شدند عبارتند از: نخجوانی - دکتر حکیمی و هوشمند اعظم.........»»» ۲- روزنامه «صبح امروز» در شماره ۶۲ خود چنین می نویسد: «««در چند روز اخیر عده ای از ایرانی ها وسیله هواپیما و اتومبیل و حتی اتوبوس عازم لندن شدند...... یک مقام مطلع می گفت اینها از پیروان مذهب (بها) هستند که برای شرکت در کنگره مذهبی به لندن می روند...... مطلعی میگفت بیش از دو هزار از بهائیان ایران در کنفرانس اخیر (بهائی ها) در لندن شرکت کرده و تصمیماتی برای توسعه تبلیغاتی خود گرفته اند. یک ایرانی که اخیرا به تهران آمده میگفت امسال بهائی ها کنگره خود را در لندن بطور مفصل تشکیل داده بودند. کاخ مجللی را برای ۷ شبانه روز اجاره کرده و مبلغ هنگفتی اجاره داده و از ایران دو هزار نفر شرکت داشتند که ریاست آنها با یک مقام بازنشسته بود.»»» ۳- مجله هفتگی «خوشه» در شماره ۱۰ خود مورخ ۲۳ اردیبهشت ۴۲ چنین می نویسد: «««نکته دیگر: بسیاری از خوانندگان گرامی اطلاع دارند که امسال جمع کثیری از بهائیان مقیم ایران برای شرکت در کنگره ای که در لندن تشکیل شده بود به لندن عزیمت کرده اند. ظاهرا بهائیان مقیم دنیا برای اشاعه کار خود برنامه ای بنام «فتح دهات» دارند و به این منظور هر دو سال و نیم یک بار چنین کنفرانسی را تشکیل میدهند. در کنفرانس اخیر که ۱۲۰۰۰ بهائی از سراسر دنیا شرکت کرده بودند ۲۲۰۰ نفر هم از ایران رفته اند که ۱۶۰۰ نفر آنها را شرکت هواپیمائی «میدل ایست» با تخفیف قابل ملاحظه ای حرکت داده و بقیه از راه زمین رفته اند.»»» ۴- مجله هفتگی «روشنفکر» در شماره ۵۰۴ خود مورخ اول خرداد ۴۲ چنین می نویسد: «««می گویند از طرف یکی از روحانیون نامه ای برای مک میلن نخست وزیر انگلستان ارسال شده و در آن به انعقاد کنگره یکی از فرقه های مذهبی در لندن اعتراض شده است.»»» همکاری حکومت پهلوی برای تشکیل نخستین بیت العدل و تشکیلات جهانی بهائیان در شهر لندن با کمک اسرائیل. ۵- سخنرانی در شهر قم خطاب به علمای یزد در مورخ اردیبهشت ۱۳۴۲.. ......: «از چیزهائی که سوءنیت دولت حاضر (اسدالله علم) را اثبات می کند؛ تسهیلاتی است که برای مسافرت دو هزار یا بیشتر از فرقه ضاله قائل شده است؛ و به هریک پانصد دلار ارز داده اند و قریب هزار و دویست تومان تخفیف در بلیط هواپیما داده اند؛ به مقصد آنکه آن عده در محفلی که در لندن از آنها تشکیل می شود و صد در صد ضد اسلامی است شرکت کنند. در مقابل برای زیارت حجاج بیت الله الحرام چه مشکلاتی که ایجاد نمی کنند و چه اجحافات و خرج تراشی ها که نمی شود. آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پست های حساس به دست این فرقه است که حقیقتا عمال اسرائیل هستند.» ......۶- سخنرانی در مسجد اعظم قم - مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲.. ...: «سکوت؛ امروز سکوت همراهی با دستگاه جبار است. نکنید سکوت. دو هزار بهائی را با پانصد دلار ارز به هریک؛ و هزار و دویست تومان تخفیف هواپیما؟! اینها در روزنامه دنیاست. یک شخصی به من گفت که معامله ای کرده است شرکت نفت با ثابت پاسال (از سرمایه داران بهائی) و در این معامله تخفیفی داده است که بیست و پنج میلیون تومان در این تخفیف نفع برده است؛ برای نفع این جمعیتی که فرستادند به لندن بر ضد اسلام. این وضع نفت ما؛ این وضع ارز مملکت ما؛ این وضع هواپیمائی ما؛ این وضع وزیر ما؛ این وضع همه ما؛ سکوت کنیم باز؟ هیچ حرف نزنیم؟ حرف هم نزنیم؟ ناله هم نکنیم؟ خانه هایمان را خراب می کنند آخ هم نگوئیم....» ...؟۷- سخنرانی در جمع علمای همدان در شهر قم - مورخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۲: «...... سختگیری کردن و اجحاف نمودن به حجاج بیت الله الحرام؛ و در مقابل وسائل فراهم نمودن و تسهیل نمودن برای مسافرت چند هزار نفر عمال اسرائیل به لندن برای توطئه بر ضد اسلام؛ و به آنها اسم مذهب گذاشتن (چنانچه (در) بعضی روزنامه ها (ست)؛ که حتما تحت نظر سازمانهای دولتی و به دیکته آنهاست) یکی دیگر

از نمونه هـای انحراف دسـتگاه جبار است. تخفیف در کرایه طیاره و به هر مسافری از فرقه ضاله پانصـد دلار ارز دادن نمونه نمونه دیگری است......» ۸- نـامه خطاب به سـید کاظم شاهنگیان - مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۲: «.... لازم است جنابعالی متوجه باشـید که اعمال ضـد اسـلامی دولت حاضـر؛ خطر را نزدیک نموده است: اخیرا به دوهزار بهائی تذکره داده اند و به لندن رفتند و برای شـرکت و به هریک پانصـد دلار ارز و هزار و دویست تومان تخفیف در بلیط دادنـد. خـدا می داند این مجلس ملعون چه مفاسدی برای اسـلام و مـذهب در بردارد. مردم را آگـاه فرمائیـد. به علمـای اعلام تـذکر دهیـد و برای این امـور فکری کننـد.......» ۹- سـخنرانی در جمع روحانیون و مردم همدان در شـهر قم - مورخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۲: «...... من از محبت شـما متشکرم. سلام مرا به مردم و روحانیون همـدان برسانیـد و بگوئیـد: دین شـما در معرض مخاطره و هجوم قرار گرفته است. دولت شـما به دوهزار بهائی؛ هریک پانصد دلار کرایه طیاره داده که به لندن بروند؛ جمع شوند و علیه قرآن و پیغمبر شـما تصـمیم بگیرند. دولت شما در یک معامله فروش روغن و مواد نفتی از شـرکت نفت به ثابت پاسال (سـرمایه دار بهائی)؛ پنـج میلیون تومان اسـتفاده رسانیده است که با این پول؛ مخارج اعزام بهائیـان به لنـدن و تبلیغـات بهـائی تامین بشود. به مردم بگوئیـد از مالیاتی که دولت شـما از شـما مسـلمانها می گیرد؛ این مخارج را میکنـد..........» ۱۰- نامه خطاب به آیت الله سید هادی میلانی - مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۲: «..... به عرض عالی می رساند..... همان نقشه شیطانی است برای تشـکیل محفل ضد اسلامی در لندن به دست دولت خائن و دستگاه جبار و با دسترنج ملت فقیر مسلمان دو هزار نفر یا به قولی پنج هزار نفر از فرقه ضاله دست نشانده اسرائیل را با تشریفات و تسهیلات و تخفیف در بلیط و به هر یک پانصد دلار ارز به محفل ضد اسلامی لندن اعزام می کند تا شرکت کنند در افکار ضد اسلامی و وطنی........»

خطرات بدست گرفتن حکومت پهلوی توسط بهائیان

۱- سخنرانی مورخ ۱۸ شهریور ۱۳۴۲ در مسـجد اعظم قم: امام خمینی با اشاره به نقشه و توطئه بهائیان برای ترور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶ هـق در حـالیکه وی عازم نیاوران بود؛ فرمودنـد: «... اینها عمال اسـرائیل در ایران؛ هرجا انگشت می گـذاری می بینی که یکی از اینهاست. مراکز حساس؛ مراکز خطرناک؛ و الله مراکز خطرناک برای تاج این آقا. ملتفت نیسـتند اینها. اینها (مقصود بهائیها) آنها بودند که در شـمیران تهران توطئه کردند ناصرالدین شاه را بکشند؛ مملکت ایران را قبضه کنند. شما تاریخ را نگاه کنید. تاریخ که می دانیـد. در نیاوران توطئه کردنـد. در نیاوران چنـد نفر (بهائی) رفتند ناصـرالدین شاه را ترور کنند. و یک عده (بهائی) هم در تهران بودنـد کـه حکـومت را قبضـه کننـد. اینهـا (بهائیـان) حکـومت را از خودشـان می داننـد. اینهـا در کتابهایشـان نوشـته انـد؛ در مقالاتشان نوشـته انـد؛ حکومت مال ماست. باید یک سـلطنت جدید (بهائی) به وجود آوریم؛ یک حکومت جدید (بهائی) به وجود آوریم؛ حکومت عـدل (حکومت بیت العدل). همینهائی که یک همچو سو نظرها و سوء نیتهائی را دارند؛ از دربار گرفته تا آن آخر مملکت؛ از این اشـخاص (بهائی) آنجا موجودنـد......» امام خمینی (ره) سپس به خطر نفوذ بهائیان اشاره نموده و اظهار داشـتند: «... آقـا بترسـید از اینهـا (بهائیـان و عمـال صـهیونیسم)؛ یـک جانورهـائی انـد اینهـا. در یک وزارتخانه موجود است. من انگشت رویش گذاشـتم پیش یکی از وزرا. گفت اینطور نیست. بعد شاهد برایش فرسـتادم که با سـند نوشته بود که این جوری (بهائی) است. الان هم موجـود است و من اسم کـثیفش را نمی برم. در وزارتخـانه موجود است. در ارتش موجود است. خوب؛ ای ارتش محترم! توی دهن اینها بزن. تو مسلمانی. صاحب منصبان ارتش؛ خوب بسیارشان مردم خوبی هستند......» صحیفه نور (جلد ۱) ص ۳۸۹

تأثیر پذیری انقلاب سفید شاهانه از تعلیمات بهائیت

۱- امام خمینی در سخنرانی مفصل خود بمناسبت فرارسیدن عاشورای حسینی در تاریخ ۱۳ خرداد در ۱۳۴۲ در جمع کثیری از مردم عزادار در مـدرسه فیضـیه قم ایراد نمودنـد به شـرح مصائبی که از ناحیه حکومت شاه بر مردم وارد شده پرداختند. در قسـمتی از این

بیانات تحت عنوان «شاه تحت تاثیر بهائیها» فرمودند: «... آقا یک حقایقی در کار است. من باز سرم دارد درد می گیرد یک حقایقی در کار است. شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهائیها مراجعه کنید. در آنجا می نویسد: تساوی حقوق زن و مرد؛ رای عبدالبها است؛ آقایان از او تبعیت می کنند. آقای شاه هم نفهمیده می رود بالای آنجا می گوید. تساوی حقوق زن و مرد. آقا! این را به تو تزریق کرده اند که بگویند بهائی هستی؛ که من بگویم کافر است؛ نکن اینطور؛ بدبخت! نکن اینطور. تعلیم اجباری عمومی نظامی کردن زن؛ رای عبدالبها است. آقا تقویمش موجود است؛ ببینید! شاه ندیده این را؟ اگر ندیده مواخذه کند از آنهائی که دیده اند و به این بیچاره تزریق کرده اند اینها را بگو....... مملکت ما؛ دین ما؛ در معرض خطر است.......» صحیفه نور (جلد ۱) صفحه ۲۴۷ ۲- ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۲ در گفتگو با علی نخعی: «..... مگر ما چه کرده بودیم که مستحق قلع و قمع علیل النفسهائی امثال ایشان باشیم؟ ما موقعی که یقین پیدا کردیم که محافل لامذهب بهائیهای یهودی الاصل ایران و امریکا اراده دارند درخواست تساوی حقوق زن و مرد را آلت تجاوز به حریم مذهب رسمی این مملکت قرار دهند و دین اسلام را که موجب بقای استقلال ظاهری این ملک و ملت است؛ تضعیف کنند؛ دوستانه نامه هائی برای این دولت نوشتیم که مواظب باشند.......»

زمینه سازی برای نفوذ بهائیان از طریق قانون انجمن های ایالتی و ولایتی

۱- تلگراف امام خمینی به اسداله علم (نخست وزیر وقت) مورخ ۱۵ آبان ۱۳۴۱: «.... اگر گمان کردید با زور چند روزه؛ قرآن کریم را در عرض اوستای زرتشت؛ انجیل و بعضی کتب ضاله (بهائیت) قرار داده و به خیال از رسمیت انداختن قرآن کریم...... افتاده اید و کهنه پرستی را می خواهید تجدید کنید؛ بسیار در اشتباه هستید. اگر گمان کردید با تصویبنامه غلط و مخالف قانون اساسی میشود پایه های قانون اساسی را که ضامن ملیت و استقلال مملکت است؛ سست کرده و راه را برای دشمنان خائن به اسلام و ایران باز کرد؛ بسیار در خطا هستید» ۲- بیانات مورخ ۲ آذر ۱۳۴۱ خطاب به بازاریان تهران: «... این قانونی را که میخواهند در مملکت شیوع بدهند؛ در حزب آقای علم طرح شده؛ و آقای علم بدانند که مردم از پای نمی نشینند تا لایحه لغو شود؛ و پس از تشکیل مجلس نیز ساکت نخواهند نشست...... دولت؛ خوب است وظیفه خود را بداند؛ ما زیر یک مشت کلیمی که خود را به صورت بهائی درآورده اند پایمال نشویم. ما به همان نحو که در روزنامه ها تصویب لایحه را نوشتند؛ می خواهیم لغو آن را هم درج کنند......» (صحیفه نور (جلد ۱) ص ۱۰۳) ۳- سخنرانی مورخ ۹ آذر در حضور جمعی از اهالی تهران: «.... حالا دست دراز کرده اند به قرآن و نوامیس مسلمین. استان های این کشور را که باید مسلمانان حفظ و اداره نمایند. اینها می خواستند با تصویب لایحه های انجمن های ایالتی و ولایتی و الغای شرط اسلام از رای دهنده و انتخاب شونده؛ مقدرات مسلمین را به دست غیر مسلمانان مانند یهودیهای بهائی بسپارند. اگر استان های این کشور به دست غیر مسلمان بیفتد چه بسا ممکن است از حلقوم خبیث آنان صدایی غیر از اسلام شنیده شود و آن روز است که خطرهای بزرگی متوجه می شود؛ نه تنها اسلام و قرآن حفظ نخواهد شد؛ بلکه تمام حیثیات شما خواهد رفت. اقتصادیات؛ بازار؛ ذخایر مملکت؛ همه و همه خواهد رفت. ای مومنین بیدار باشید. اجانب به فکر از بین بردن ایران و کشور مسلمین افتاده اند. جز قرآن مانعی نمی بینند......... مردم را متوجه کنید تا به دولت بگویند: ما حاضر نیستیم استان های این کشور تحت تصرف بهائی نماهای یهود درآید. آگاه باشید خطر بزرگ و تکلیف مهم است. قرآن و دیانت اسلام بر مردم حقها دارد. (صحیفه نور (جلد ۱) ص ۱۰۴)

ارتباط و پیوند اسرائیل و بهائیت از نگاه امام خمینی

۱- بیانات مورخ ۱۲ شهریور ۱۳۴۱ در قم خطاب به یکی از طرفداران ایشان: «... اگر دولت ایران رابطه خود را با کشور اسرائیل

قطع کند؛ آن وقت روحانیت ایران یکصدا بر تحریکات کشورها.... علیه حکومت شیعه ایران قیام خواهند نمود. .... کسانی که به نام تجدد؛ روحانیت را ضعیف میکنند توسعه فساد را دامن می زنند. ما با «اسرائیل» و «بهائی ها» نظر مخالف داریم و تا روزی که مسئولین امر؛ دست از حمایت این دو طبقه برندارند؛ ما به مخالفت با آنها ادامه می دهیم....»» (کتاب صحیفه نور (جلد ۱) ص۷۷) ۲- سخنرانی امام خمینی در مسجد اعظم قم - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲: «««..... وای براین مملکت؛ وای براین هئیت حاکمه! وای براین دنیا! وای بر ما! وای براین علمای ساکت! وای براین نجف ساکت! این قم ساکت است! این تهران ساکت است. این مشهد ساکت! این سکوت مرگبار اسباب این می شود که زیر چکمه های اسرائیل؛ به دست همین بهائی ها؛ این مملکت ما؛ این نوامیس ما؛ پایمال شود...... اگر همه علمای اسلام یک مطلبی را بگویند؛ حالا که خطر بر اسلام وارد شده و آن خطر یهود است و حزب یهود - که همین حزب بهائیت است - این خطر که حالا نزدیک شده؛ اگر آقایان؛ علمای اعلام؛ خطبا؛ طلاب؛ همه با هم همصدا بگویند که آقا ما نمی خواهیم که یهود بر مقدرات مملکت ما حکومت کند.........»»» (کتاب صحیفه نور (جلد ۱) ص ۲۱۳ و ۲۱۶) ۳- سخنرانی امام خمینی برای گروهی از مردم همدان در شهر قم - ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۲: «««....... من از محبت شما متشکرم. سلام مرا به عموم مردم و روحانیون همدان برسانید و بگوئید دین شما مردم مسلمان در معرض مخاطره و هجوم قرار گرفته است. دولت شما می خواهد به دست بهائی ها و اسرائیلیها شما را از بین ببرد. بدانید که دولت شما به دو هزار بهائی هریک پانصد دلار کرایه طیاره داده که به لندن بروند؛ جمع شوند و علیه قرآن و پیغمبر شما تصمیم بگیرند.....»» (صحیفه نور (جلد ۱) ص۲۷۷)

واکنش امام خمینی به نفوذ بهائیان در امور مملکتی

حضرت آیت الله خمینی (ره) در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ با دوراندیشی و ژرف نگری متوجه خطرات تصویب این قوانین شدند و با درک عمیق از نقشه های اسرائیل و با شناختی که از ماهیت و اهداف بهائیت داشتند با ایراد سخنرانی ها و یا ارسال نامه برای علمای بلاد و یا گفتگو و ملاقات با اشخاص و بعضی مقامات دولتی مبادرت به افشای توطئه های آمریکا؛ اسرائیل و رژیم پهلوی نمودند. ایشان در ارتباط با توطئه ها و نقشه های بهائیت؛ بر محورهای زیر تاکید داشتند: الف- ارتباط و پیوند اسرائیل و بهائیت ب- زمینه سازی برای نفوذ بهائیان از طریق قانون انجمن های ایالتی و ولایتی ج- تأثیرپذیری انقلاب سفید شاهانه از تعلیمات بهائیت د- خطرات به دست گرفتن حکومت پهلوی توسط بهائیان ه- نفوذ بهائیت در رسانه های عمومی و فرهنگ جامعه ایران و- همکاری و همگامی حکومت پهلوی برای تشکیل نخستین بیت العدل و تشکیلات رهبری جهانی بهائیان در شهر لندن با کمک دولت غاصب اسرائیل. اکنون بتدریج و با ارائه اسناد و مدارک متقن (مندرج در کتاب صحیفه نور) از واکنش های امام خمینی (ره) به جریان خطرناک بهائیت آشنا می شویم.

برنامه ریزی آمریکا برای گسترش نفوذ خود

بدنبال کودتای ۲۸ مرداد۱۳۳۲ و افزایش تدریجی آمریکائیان در ایران و تشکیل ساواک (۱۳۳۶)؛ برنامه رژیم برای اسلام زدائی جامعه ایران به شکل موذیانه و ظریفی در حال اجرا بود. دولت آمریکا با طرح نقشه «اصل ۴ ترومن» که با عنوان ظاهری انجام اقدامات عمرانی و توسعه و پیشرفت دموکراسی در کشورهای جهان سوم طراحی شده بود؛ قصد داشت بطرز موذیانه ای از نفوذ روحانیت بر جامعه بکاهد و بتدریج نقش اسلام بعنوان یک دین مترقی و استعمار ستیز را از جامعه محو نماید. به همین منظور دو طرح استعماری و ضد اسلامی تحت عناوین «انجمنهای ایالتی و ولایتی» و «اصلاحات سفید شاهانه ششم بهمن ۱۳۴۱» را با کمک عوامل خود در ایران پیاده نمود. با توجه به مخالفت اصول و اهداف این دو طرح با اصول و مبانی اسلام و خطری که از اجرای آن متوجه کمرنگ شدن مبانی اسلام در جامعه احساس می شد؛ روحانیت آگاه آن زمان به مخالفت با این دو طرح پرداخت و امام

خمینی (ره) پیشگام این مبارزه گردیدند. خلاء حضور آیت الله بروجردی نیز فرصت مغتنمی را برای رژیم وابسته پهلوی فراهم کرده بود تا به اجرای نقشه های آمریکا بپردازد. آمریکائیان نیز که با عمق دشمنی بهائیت با روحانیت پی برده بودند تشکیلات بهائیت را افراد مناسبی برای اجرای طرح های ضد اسلامی خود می دانستند در حمایت از بهائیان و بهره گیری از نفوذ آنان در تشکیلات حکومت پهلوی حساب ویژه ای باز کرده بودند. در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱ جراید عصر تهران با تیتر درشت منعکس ساختند که ««طبق لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی که در هیئت دولت به تصویب رسید و امروز منتشر شد به زنان حق رای داده شد.»» در متن تصویب نامه قید اسلام را از شرائط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان برداشته و در مراسم سوگند به جای سوگند به قرآن و کتاب آسمانی از عبارت سوگند به امانت و صداقت نام برده شده بود. این قانون زمینه لازم برای دادن پستهای حساس بدست فرقه های مذهبی که نقش ستون پنجم را در کشورهای اسلامی بازی نموده بود؛ فراهم نموده و به بهانه شعار مترقی آزادی زنان در انتخابات می خواست حساسیت روحانیت شیعه را تحریک نموده و مردم را علیه آنان بشوراند و زمینه بی حجابی و حضور زنان غرب زده را در ارکان جامعه فراهم نماید. از طرفی آمریکا با کمک علی امینی (نخست وزیر) قانون اصلاحات اراضی را در سال ۱۳۴۰ به تصویب دولت ایران رساندند و کندی رئیس جمهور آمریکا تصویب این قانون را به شاه تبریک گفت. تصویب این قانون و فریب دادن دهقانان ایرانی مقدمه تصویب اصول ششگانه «انقلاب سفید شاهانه» در ششم بهمن ۱۳۴۱ شد.

حمایتهای رژیم غاصب اسرائیل

دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی مصادف است با استحکام دولت صهیونیست اسرائیل در سرزمین فلسطین و بهائیت در آن زمان با رهبری شوقی افندی در مقر خود در خاک اسرائیل مشغول برنامه ریزی های چند ساله برای گسترش نفوذ خود در ایران بود. شوقی افندی با کمک ایادیان آمریکائی و انگلیسی خود برنامه مفصلی برای بهائیت تدوین نمود که آنرا «برنامه دهساله» نامید. این برنامه برای سالهای ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ میلادی (۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲) تنظیم شده بود. براساس این برنامه دهساله؛ حداکثر تلاش جامعه بهائیت برای تبلیغات بهائی گری و به انحراف کشاندن مسلمانان و تقویت تشکیلات بهائیت در ایران و به چنگ درآوردن امکانات اقتصادی و تجاری و افزایش مراکز بهائی در کلیه نقاط ایران در نظر گرفته شده بود. از دیدگاه شوقی افندی؛ کشور ایران «مهد امرالله» می باشد و بایستی به مرکز اصلی بهائیت در دنیا تبدیل گردد. اقامت شوقی در حیفای اسرائیل و حمایت های بی دریغ و رایگان اسرائیل از تشکیلات و اموال بهائیان در خاک اسرائیل؛ فرصت مغتنمی برای ایجاد «خانه امن بهائیت» در اسرائیل را فراهم کرده بود. شوقی افندی در توقیعات مبارکه؛ نوروز ۱۰۱ بدیع می گوید: «در ارض اقدس (اسرائیل) شعائر بهائیت بی پرده و حجاب اجرا می شود....... و معافیت مقامات بهائیت و توابع آن از مالیات های دولت اسرائیل از طرف اولیای امور تصویب گردید.» از عواملی که باعث می شد اسرائیل بیشتر به بهائیان روی خوش نشان دهد سرمایه گذاری بهائیان و جذب سرمایه های بزرگ آنان در اسرائیل بود که موجب شکوفائی اقتصادی این رژیم نامشروع می گردید. از جمله می توان به تدفین رهبران بهائی در این کشور که هر ساله گروه کثیری از بهائیان را با سرمایه های کلان به آنجا می کشاند؛ اشاره کرد. از آن طرف گسترش نفوذ اسرائیل در داخل کشورهای اسلامی نیازمند افرادی بود که هیچگونه دشمنی و کینه ای نسبت به اسرائیل در دل نداشتند و این افراد کسانی بهتر از بهائیان نبودند که کینه عمیق و ذاتی نسبت به علما و روحانیت شیعه و مکتب تشیع در عمق جان آنان ریشه دوانده بود.

افزایش نفوذ بهائیان در ایران

دوران حکومت پهلوی دوم را باید یکی از مناسبترین و مساعدترین ادوار رشد و گسترش سریع و شتاب آلود «بهائیت» در ایران نامید. بگونه ای که در هیچیک از قطعات تاریخ این سرزمین؛ این فرقه ضاله نتوانست همچون این دوره به طور رها و آزاد در عرصه

ها و صحنه های مختلف حاکمیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی و قضائی این کشور به تاخت و تاز بپردازد و بر همه امور ایران سیطره یابد و از تمام امکانات و ابزارها و اهرمهای حکومت برای تحقق اهداف خود بهره برداری نماید. اسناد و مدارک مسلم و قطعی و اعترافات عناصر وابسته به رژیم پهلوی؛ به وضوح و صراحت از این واقعیت تلخ و انکار ناپذیر حکایت دارند که دستگاه ها و تشکیلات عریض و طویل حکومت شاه به طور کامل در چنبره قدرت بهائیان گرفتار آمده بود و عناصر اصلی این فرقه مخوف و معارض با اسلام و قرآن و استقلال و تمامیت ارضی ایران؛ با ارتباط با «انگلیس» و «اسرائیل» و «امریکا» و در مسیر تحقق سیاست های شیطانی «اینتلجنت سرویس» و «موساد» و «سیا» در تمام تار و پود نظام سیاسی و حکومتی ایران رخنه کرده بودند و فرامین و برنامه ها و دستورالعمل های دیکته شده قدرتهای استعماری را به مرحله عمل در می آوردند و در کنار تلاش بی وقفه ای که برای تحقق اهداف و مقاصد اربابان خارجی خود داشتند؛ تمام مراکز حساس اقتصادی را نیز تحت سیطره خویش درآورده بودند و از منافع فراوانی که به دست می آوردند؛ به نشر و ترویج بهائیت و اجرای دستور العمل های صادره از «بیت العدل» مستقر در اسرائیل می پرداختند. ارتشبد «حسین فردوست» که از مهره های مهم رژیم شاه و دربار محسوب می شد و در مناصب حساسی چون معاونت ساواک؛ ریاست دفتر اطلاعات ویژه شاه و ریاست دفتر بازرسی شاه خدمت می کرد؛ درباره تعامل تشکیلات بهائیان با حکومت شاه چنین میگوید: «...... یکی از فرقه هایی که توسط اداره کل سوم ساواک با دقت دنبال می شد؛ بهائیت بود. شعبه مربوط بولتن های نوبه ای (سه ماهه) تنظیم می کرد که یک نسخه از آن از طریق دفتر ویژه اطلاعات به اطلاع محمدرضا می رسید. این بولتن مفصل تر از بولتن فراماسونری بود. اما محمدرضا از تشکیلات بهائیت و به خصوص افراد بهائی در مقامات و مهم حساس مملکتی اطلاع کامل داشت و نسبت به آنان حسن ظن نشان می داد. اصول رضاخان نیز با بهائیت روابط حسنه داشت؛ تا حدی که اسدالله صنیعی را که یک بهائی طراز اول بود؛ آجودان مخصوص محمدرضا کرد. صنیعی بعدها بسیار متنفذ شد و در زمان نخست وزیری علم و حسنعلی منصور و به خصوص هویدا به وزارت جنگ و ریاست خواربار ارتش رسید........» (صفحه ۳۷۶ جلد۱ کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی)

برنامه ریزی های تبلیغی بهائیت

اشاره کردیم که یکی از عوامل تقویت و اتحاد نیروهای مذهبی مبارزه با بهائیت بود که از همان شهریور ۱۳۲۰ به این سو آغاز شد. این مبارزه؛ افزون بر آن که مذهبی ها را متشکل تر می کرد؛ روی ادبیات دینی این دوره نیز تأثیر زیادی داشت. شاید اولین اشاره ها در این باره؛ مطالبی است که در سال ۱۳۲۳ در مجله آیین اسلام انتشار یافته و برای مثال؛ از تعدادی بهائی یاد شده که در زاهدان کتاب های اسلامی را می سوزانند و به جای آن «کتب قصص خارجی و کتب ضاله» را در انظار منتشر می کنند. و باز در همین نشریه پس از نقل مقاله ای درباره نفوذ بهائیت در جهرم می نویسد: «بعد از شهریور ۱۳۲۰ طغیان بهائی ها در ایران بیشتر شده و در دوایر دولتی پست های حساسی را اشغال نموده و به تبلیغات خود ادامه می دهند.» طرف خطاب شاکیانی که از شهرها مبادرت به فرستادن این قبیل نامه ها و تلگراف ها می کردند؛ مقامات دولتی؛ علمای تهران و شهرستانها و اندکی پس از استحکام مرجعیت آیت الله بروجردی؛ شخص ایشان بود. مرحوم حجت الاسلام فلسفی در خاطرات خود به تفصیل به شرح فعالیت بهائیان و مبارزه مذهبی ها با آنان پرداخته است. در واقع هراس مردم متدین از آن بود که بهائیان آزادانه وارد دستگاه اداری و آموزشی کشور شده و حتی به دربار نیز نزدیک شده اند. بهائیان در این دوره؛ راه موفقیت خود را نفوذ در دستگاه اداری کشور می دانستند و از هیچ کوششی در این مسیر فروگذار نبودند این موضوع مورد تائید اکثر مورخین معاصر میباشد و دقت در نقشه های تبلیغی بهائیت نیز موید همین موضوع است؛ البته آیت الله بروجردی آن را دریافته بود و با شدت به مقابله با این نقشه پلید می پرداخت. طبیعی بود که آنان با استفاده از موقعیت به دست آمده و نفوذ در ادارات مختلف؛ به ویژه آموزش و پرورش؛ بهتر می توانستند به کار تبلیغ بهائیت

بپردازند. در شکایتی که در آن زمان از مردم نهاوند رسیده با اسم و مشخصات؛ نام بهائیانی که رئیس بانک ملی؛ متصدی انحصار تریاک؛ بازرس دخانیات و معلم بوده اند؛ درج شده است. طی سال ۱۳۲۵ به بعد سیل شکایات از شهرهای مختلف درباره نفوذ بهائی ها به دست آیت الله بروجردی و مسئولان دولتی می رسید و ایشان در هر فرصت با دادن تذکراتی به دولتی ها؛ می کوشید تا از نفوذ آنان جلوگیری کند. یکبار آیت الله بروجردی در ۲۸ شهریور ۱۳۲۸ ضمن نامه ای به آقای فلسفی نوشت که ((ایجاد نفوذ و تقویت این فرقه از روی عمد و قصد است نه خطا و سهو و تظاهراتی که نادرا (از سوی دولت) شود برعلیه آنان مشاهده می شود؛ فقط و فقط تظاهر و اغفال حقیقت است نه حقیقت)).

شرایط اجتماعی سالهای ۱۳۲۰ شمسی

با شکست دیکتاتوری رضا شاه و تبعید وی در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ شمسی؛ مردم ایران که طی یک دوره شانزده ساله – بلکه بیست ساله – در غفلت تجدد فرو رفته و آن را با کابوس های وحشتناک استبداد پشت سر گذاشته بود؛ یکباره بیدار شده و خود را از استبداد شاهی آزاد و رها دیدند. در تمام مدت؛ مبارزانی وجود داشتند که با آفریدن حماسه هایی مانند قیام مسجد گوهرشاد؛ چراغ مقاومت را روشن نگاه داشتند؛ اما توده مردم در روند رو به رشد تجدد و در گمان رسیدن به بهشت مدرنیسم؛ به خوابی عمیق فرو رفته بودند. در این میان؛ دین و تبلیغات دینی پیش از همه در تنگنا قرار گرفته بود؛ زیرا از سوی مشاوران شاه؛ دین؛ بعنوان یک پدیده کهنه و پوسیده تلقی می شد؛ پدیده ای که مانع بزرگی سر راه تجدد به حساب می آمد. فرار رضا شاه و به دنبال آن درهم ریختن نظام استبدادی و گسستن نظام ارتش و امنیه و شهربانی؛ و هم چنین اوضاع نابسامان و پریشان ناشی از آغاز جنگ جهانی دوم؛ زمینه ای را برای آزاد شدن مردم از قید و بندی که شانزده سال تمام گرفتارش بودند؛ فراهم کرد. در فضای نسبتا آزاد جدید؛ گروه ها و احزاب زیادی از دل مردم یا با حمایت روس ها و انگلیسی ها که تهران را اشغال کرده بودند، شکل گرفت. گروه هایی که هر کدام مرام و آرمان خاصی داشتند و برای ترویج آن میان مردم تلاش می کردند. زمانی که در سال ۱۳۲۳ روند شکست آلمان ها آغاز شد و کنفرانس تهران برای تصمیم گیری جهت انتقال نیرو از طرف ایران بسوی شوروی در دفاع از این کشور در برابر تهاجم آلمان با شرکت استالین؛ چرچیل و روزلت تشکیل شد؛ (۲۷نوامبر تا اول دسامبر۱۹۴۳ / ۵ الی ۹ آذر ۱۳۲۲) اوضاع ایران نابسامان بود. پس از آن نیز؛ برای مدتی ایران با حرکت تجزیه طلبانه فرقه دمکرات آذربایجان روبرو بود تا آنکه شورش پیشه وری در آذر سال ۱۳۲۵ سرکوب شد و آرامش نسبی بر ایران حکمفرما گردید. اندکی بعد؛ در سال ۱۳۲۷ شاه جوان (محمد رضا پهلوی)؛ که از یک سوء قصد جان سالم بدر برده بود؛ با بهانه قرار دادن این اقدام؛ بر آن شد تا بر اوضاع مسلط گردد و روش استبدادی پدرش را بنوعی دیگر زنده کند. اما کشته شدن هژیر (نخست وزیر) در آبان سال ۱۳۲۸ آن هم به دست یک گروه اسلامی؛ راه را برای انتخابات نیمه آزاد مجلس شانزدهم فراهم کرد. در این دوره بحث نفت بالاـ گرفت؛ اما به مانع رزم آرا (نخست وزیر) برخورد کرد. ترور رزم آرا که به توصیه اعضای برجسته جبهه ملی و به دست فدائیان اسلام رخ داد؛ راه را برای ملی شدن نفت باز کرد. جبهه ملی به قدرت رسید؛ دکتر مصدق نخست وزیر شد؛ و صنعت نفت ملی گردید. از اواخر سال ۱۳۲۹ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران تجربه یک دوره آزاد را پشت سر گذاشت؛ اما به دلایلی نتوانست از آن بهره برداری مناسب کند. با اوج گرفتن اختلاف میان جناح هایی که هر کدام سهمی در برپایی دولت ملی داشتند و با هدف دست یابی به قدرت یا جلوگیری از استبداد؛ در براندازی نظام مشارکت کرده بودند؛ راه برای کودتای ۲۸ مرداد هموار شد. بدین ترتیب استبدادی که از زمان رضاخان با تکیه بر نسلی از روشنفکران متجدد معتقد به مدرنیزه کردن کشور از طریق زور پا گرفته بود؛ بار دیگر استقرار یافت. طی این سالها؛ چند دسته از جریان های سیاسی – فکری وابسته به نحله های مختلف، در صحنه سیاست و فرهنگ ایران پدید آمد. این گروه ها عبارت بودند از نیروهای مذهبی گروه های مارکسیستی و گروه های ملی و فرقه بهائیت. بی تردید دوره رضاخان؛ دوره مبارزه با مذهب و

از میان بردن سنت ها و نهادهای مدنی دینی مانند حوزه های علمیه و مرجعیت شیعه بوده است. دورانی که با فشار و استبداد رضاخان؛ تمام حوزه های علمیه تعطیل شده و افراد معدودی اجازه یافتند تا در کسوت روحانیت بمانند. این فشارها؛ در قالب های تبلیغی و اجرائی؛ بطور عمده از سوی دستگاه رضاخان دنبال می شد که نوعی نگرش روشنفکری مستبدانه را مبنای کارش قرار داده بود. با رفتن رضاخان؛ مذهبی ها بیش از دیگران خشنود گشته؛ طبل شادی را به صدا درآوردند. آنان در تمام دوره استبداد روشنفکری رضاخان؛ نفس هایشان را در سینه حبس کرده بودند و اکنون با رفتن رضاخان؛ گویی چون کبوتری از قفس آزاد گشته؛ به پرواز درآمدند. طبعا افزون بر احیای مراسم سنتی روضه خوانی و سوگواری و جشن و سرور مذهبی؛ می بایست به فعالیت مذهبی و دینی نیز می پرداختند. آن زمان متدینین آگاه می بایست به دو کار مهم می پرداختند: نخست جدال با آثار سوء بر جا مانده از مبارزه با مذهب از دوره رضاخانی که با انواع حیله ها بر ضد مذهب تبلیغ شده بود. دوم مقابله با بی دینی که به تناسب دشواری هایی که وجود داشت؛ چهار جهت را می توان در آن روند جدی تر دانست: الف- مبارزه با کسروی ب- مبارزه برای حجاب ج- مبارزه با مارکسیسم د- مبارزه با بهائیت بالا گرفتن فعالیت بهائیت در شعله ور کردن انگیزه های دینی در جامعه ایران تأثیر استواری داشت. در اصل؛ سیر مبارزه با بهائیت را باید از زمان پدید آمدن این فرقه در ایران جستجو کرد. طی یک قرن آثار زیادی در رد این فرقه پدید آمد و این مبارزه تا دوره رضاخان نیز ادامه داشت. (نمونه آن کتابچه کوچک «چهار شب جمعه» است که در سال ۱۳۱۳ ش فراهم آمده و حاصل چند مناظره میان یک مسلمان -بنام جلال دری- و یک بهایی است). نمونه دیگر آن انجمنی بود که آیت الله سید ابوالحسن طالقانی -پدر آیت الله طالقانی- با پدر مهندس بازرگان برای مبارزه با بهائیت و مبلغان مسیحی ایجاد کرده بودند. اما آنچه که به بحث ما مربوط می شود؛ اوج گرفتن این مبارزه از سال ۱۳۲۳ به بعد است که صورت سیاسی نیز به خود می گیرد. یعنی مبارزه با بهائیت به نوعی مبارزه با حکومت و اجزای آن تلقی می شود؛ چرا که برخی از چهره های حکومت؛ متهم به داشتن گرایش های بهائی گری بودند و از جانب حکومت نیز هیچ گونه مخالفتی با حضور و نفوذ آنان در نظام اداری و حکومتی و حتی نظامی رژیم مشاهده نمی شد. این نفوذ به گونه ای تشدید شده بود که عناصر بهائی با فراغ بال از موفقیت شغلی خویش برای تقویت تبلیغات بهائی گری سواستفاده می کردند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹